

نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۱

علیرضا آرش پور*

سیده منیژه جعفری**

چکیده

در گزارش سال ۱۹۹۴ «برنامه توسعه ملل متحد» رویکرد امنیتی جدیدی با عنوان «امنیت انسانی» مطرح گردید که فرد را با تمام نیازهایش مورد حمایت قرار می‌داد. بعد از مطرح شدن این رویکرد، و هم‌زمان با واکنش شورای امنیت نسبت به قضایای رواندا و کوزوو دکتترین مسئولیت حمایت در راستای حمایت از غیرنظامیان پا به عرصه ظهور گذاشت. از این رو، نوشتار درصدد است تا با عنایت به تغییر این رویکرد به این سؤال پاسخ دهد که اصولاً نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی چیست؟ و آیا امنیت انسانی می‌تواند به عنوان توجیهی مناسب برای اجرای اصل مسئولیت حمایت تلقی گردد؟

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، مسئولیت حمایت، حمایت از غیرنظامیان، حقوق بشر

rezaarashpour@gmail.com

* استاد یارگروه حقوق دانشگاه اصفهان

sm.jafari65@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هجدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۴ • شماره مسلسل ۶۸

مقدمه

امنیت انسانی^۱ از جمله مفاهیمی است که در تلاش برای برون‌رفت از مفهوم سنتی امنیت^۲ و امنیت ملی^۳ مطرح شده است. این مفهوم را محبوب الحق^۴ در «گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد»^۵ (۱۹۹۴) با تأکید بر «رهایی از نیازمندی»^۶ و «رهایی از ترس»^۷، به عنوان راه حل رفع ناامنی در جهان به کار برد (UNDP, HDR, 1994: 24) و پس از آن در سیاست خارجی برخی دولت‌ها نظیر نروژ، ژاپن و کانادا مورد توجه قرار گرفت.^۸ این گزارش مدعی بود پس از جنگ سرد، نیازمند آنیم که مفهوم امنیت را بسط دهیم، چراکه در این دوران باید بر «نگرانی‌های روزمره زندگی افراد»^۹ تمرکز نماییم و نه بر تهدیداتی که مربوط به «حوادث عظیم جهانی»^{۱۰} است (UNDP, HDR, 1994: 22).

مفهوم امنیت انسانی آن‌گونه که در این گزارش ترسیم شده، دارای چهار ویژگی اصلی است: (۱) دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخصی در هر جایی مربوط می‌شود؛ (۲) عناصر آن به هم پیوسته‌اند و تهدید به آن در یک قسمت از جهان سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌سازد؛ (۳) پیش‌گیری قبلی از تهدید علیه این امنیت از مداخله بعدی برای برقرارساختن آن

1. Human security
2. security
3. National security
4. Mahbub ul Haq.

محبوب الحق، اقتصاددان و استاد اقتصاد خرد در دانشگاه کراچی بود. او نظریه‌پرداز توسعه انسانی و بنیان‌گذار گزارش توسعه انسانی (HDR) بود. از جمله فعالیت‌های او یافتن و پیشنهاد خط مشی‌هایی برای پارادایم توسعه انسانی از جمله توافقنامه ۲۰۲۰ و را اندازی شورای امنیت اقتصادی در درون سازمان ملل است. او از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ مشاور UNDP بود و با کمک پل استرین، اینگه تجویز، فرانسیس استوارت، آمارتیا سن، ریچارد جولی به تهیه گزارش سالانه توسعه اقتصادی پرداخت.

www.en.wikipedia.com/ Mahbub ul Haq

5. United Nations Development Programme, Human Development Report

6. Freedom from want

7. Freedom from fear

۸. گرچه این مفهوم برای اولین بار در گزارش سال ۱۹۹۴ UNDP مورد استفاده قرار نگرفت و در گزارش سال ۱۹۹۲

آقای پطروس غالی به مجمع عمومی ملل متحد بیان شد، اما از سال ۱۹۹۴ است که بحث جدی در این مورد مطرح شد.

بنابراین این نوشتار نیز این مفهوم را آن‌گونه که در گزارش سال ۱۹۹۴ آمده است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

9. Worries about daily life

10. Cataclysmic world event

سهل تر است و ۴) دارای مفهومی «فردمحور»^۱ است (فن تیگروم، ۱۳۸۹: ۲۲ & UNDP, & HDR, 1994: 22-23).

امنیت انسانی، از یک سو، امنیت در مقابل خطرات دیرینه‌ای مانند گرسنگی، بیماری و سرکوب را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر، شامل امنیت در مقابل حوادث ناگهانی و زیان‌باری می‌شود که در جریان زندگی روزمره رخ می‌دهند. بحث از امنیت انسانی هفت مقوله اصلی و مهم امنیت اقتصادی^۲، امنیت غذایی^۳، امنیت سلامتی^۴، امنیت محیط زیستی^۵، امنیت شخصی^۶، امنیت اجتماعی^۷ و امنیت سیاسی^۸ را در بر می‌گیرد. در حال حاضر این مفهوم به صورت گسترده برای توصیف همه تهدیداتی به کار می‌رود که در اثر مخاصمات بین دولتی، مخاصمات داخلی، نسل‌زدایی و بی‌خانمان شدن مردم از یک سو و ناکارآمدی نظام‌های سیاسی و اجتماعی در تأمین نیازهای اولیه افراد از سوی دیگر به وجود می‌آیند (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۶ & UNDP, HDR, 1994: 24). این رویکرد انسان‌محور در سال ۲۰۰۱ موجب ظهور دکترین مسئولیت حمایت گردید که آن را به عنوان اولین و مهم‌ترین وظیفه داخلی دولت‌ها برای حفاظت از جمعیت خود در برابر نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و پاکسازی قومی مطرح ساخت. دکترین مذکور در سال ۲۰۰۱ و در گزارش کمیسیون حاکمیت و مداخله بیان گردیده و در سند نهایی اجلاس سران در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۵ در نیویورک مورد تأیید سران جهان قرار گرفت. در واقع، این اصل یکی از موفقیت‌های مهم اجلاس سران بوده است. چون قطعنامه‌های مجمع عمومی به عنوان اسناد الزام‌آور تلقی نمی‌شوند، نتایج اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ نیز همین خصوصیت را دارا بود، اما این سند می‌تواند در قالب حقوق نرم^۹ در روابط بین کشورها نمود پیدا کند. به طور کلی می‌توان گفت یکنواخت‌سازی عمل دولت‌ها در حمایت از اتباع دیگر کشورها با این اصل

-
1. Individual-centered
 2. Economic security
 3. Food security
 4. Health security
 5. Environmental security
 6. Personal security
 7. Community security
 8. Political security
 9. Soft law

همراه شده است. از این رو، مسئولیت حمایت به ظهور قوانین عرفی بین‌المللی کمک می‌کند (Amnéus, 2012: 274).
با توجه به رویکرد موجود این احتمال وجود دارد که مقوله مسئولیت حمایت به عنوان جایگزینی مناسب برای امنیت انسانی و در جنگ‌های داخلی تلقی شود.

الف. مفهوم و فلسفه امنیت انسانی

با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی میان انسان‌ها نیز بالاتر رفته است. موضوعاتی همچون تروریسم، تخریب محیط زیست و گرم‌شدن زمین، بیماری‌های عفونی همچون ایدز، تسلیحات کشتار جمعی و خطر دستیابی تروریست‌ها به آن‌ها، فقر و بیکاری و توسعه‌نیافتگی بخش عظیمی از جوامع انسانی، مهاجرت و ... درک سنتی از مفهوم امنیت را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است (بعیدی‌نژاد، دریایی و علی‌آبادی، ۱۳۸۴: ۶).

امنیت آن‌گونه که در فرهنگ لغات پارسی عمید آمده، به معنای در امان بودن، ایمنی، آسودگی و آرامش است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در فرهنگ لغات پارسی دهخدا امنیت به معنای بی‌خوفی و امن، بی‌بیمی و ایمنی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳۳۷). امنیت در فرهنگ لغت وبستر^۱ نیز به معنای آزادبودن از شک و ابهام، اطمینان‌داشتن، آزادبودن از ترس و خطر، اعتماد داشتن، حصول اطمینان از پرداخت حاصل کار و مطالبات، ایفای تعهدات و تضمین‌داشتن آمده است.^۲

۱. مفهوم حقوقی امنیت انسانی

در میان تعاریف بسیاری که برای امنیت انسانی ارائه شده، شاید بتوان تعریف برنامه توسعه ملل متحد را نقطه آغازین مناسبی برای بررسی این مقوله دانست. از این دیدگاه، امنیت انسانی دارای دو وجه است؛ «وجه اول، ایمنی در برابر تهدیدات مزمنی چون گرسنگی، بیماری و

1. Webster

2. <http://www.merriam-webster.com>

سرکوب و وجه دوم محفوظبودن در برابر آشوب‌ها، آشفتنگی‌های ناگهانی و مخاطره‌آمیز در الگوهای زندگی روزمره و در محل کار، خانه یا در جامعه» (UNDP, HDR, 1994: 24).

۲. فلسفه امنیت انسانی

امنیت انسانی، بقا، معیشت و کرامت مردم را تضمین می‌کند و درصدد پاسخ‌گویی و از بین بردن تهدیدات پیش رو و در حال بروز است. امنیت انسانی بر وابستگی متقابل مجموعه‌ای از آزادی‌های اساسی زندگی انسان، یعنی رهایی از نیاز، رهایی از ترس و رهایی از بی‌حرمتی‌ها، تأکید می‌کند. این مقوله، جایگزین امنیت کشور نیست، بلکه این دو وابستگی متقابلی به یکدیگر داشته و مکمل هم هستند. این امر مبین آن است که بدون امنیت انسانی، دسترسی به امنیت کشور ممکن نیست. امنیت انسانی چارچوبی پویا در پیوند با سه ستون نظام ملل متحد^۱ را فراهم می‌سازد.

این پیوند ارتباط بین صلح، توسعه و حقوق بشر را از نظر مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به رسمیت شناخته و بر جهان‌شمولی آزادی‌های اساسی زندگی انسان (آزادی از نیاز، آزادی از ترس و زیستن شرافتمندانه) تأکید می‌کند و از طرفی، تهدیدات موجود علیه بقا، معیشت و کرامت بشری را در اشکال چندبعدی و به نحو جامع نشان می‌دهد. امنیت انسانی مقوله‌ای جامع و مردم‌محور، پاسخ‌گرا و موجب پیش‌گیری، تقویت، حفاظت و توان‌مندسازی افراد و جوامع می‌شود (A/66/763, 2012: para 17-21 & 36).

تمرکز امنیت انسانی بر خطراتی است که افراد و جوامع بشری را نشانه رفته و می‌تواند بقای آن‌ها را با تهدید روبه‌رو کند، تهدیداتی مانند نسل‌زدایی، خشونت، بیماری یا تهدید علیه معیشت و بهداشت انسانی مانند بحران‌های مالی، عدم امنیت غذایی و عدم امنیت بهداشتی. بنابراین، امنیت انسانی در معنای گسترده یعنی رهایی از نیاز، رهایی از ترس و «آزادی

۱. سه ستون اصلی نظام ملل متحد را با توجه به منشور ملل متحد می‌توان در سه مورد امنیت، صلح و حقوق بشر دانست. البته کوفی عنان دبیر کل سابق ملل متحد، در قطعنامه ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی، که برای ایجاد شورای حقوق بشر و به منظور جایگزینی با کمیسیون حقوق بشر بود بیان کرد توسعه، صلح، امنیت و حقوق بشر ستون‌های نظام ملل متحد هستند، و به یکدیگر مرتبط و تقویت‌کننده هم هستند (<http://www.unic-ir.org/Humanrights.htm>)

شرافتمندانه زیستن»^۱ (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰). امروزه مفهوم امنیت انسانی به معنای متعارفی بدل شده که بازتاب آن را می‌توان در ملاحظات نظری و برداشت‌های مفهومی از آن، به‌ویژه در گزارش ۱۹۹۴ برنامه عمران ملل متحد مشاهده نمود. این گزارش منشأ تفکرات جدید راجع به امنیت انسانی است (Burgees & Tadjbakhsh, 2010: 448 & UNDP, HDR, 1994: 24).
از این رو، به مقوله امنیت انسانی به عنوان حقی مستقل نگریسته شده که در قالبی فراتر از موازین حقوق بشری و به عنوان مفهومی کلیدی در ادبیات حقوقی نهادهای بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازد.

ب. مفهوم و پیشینه مسئولیت حمایت

محرك اصلی در طرح و ارائه نظریه مسئولیت حمایت، عدم واکنش مناسب از سوی شورای امنیت نسبت به فجایع صورت‌گرفته در قضایای رواندا و همچنین کوزوو بود. مداخله در رواندا برای توقف یا حتی کندکردن قتل عام بیش از هشتصد هزار نفر در سال ۱۹۹۴، با تأخیر زیاد و به شکل ناکافی صورت گرفت. در سال ۱۹۹۹، سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به طور زیرکانه‌ای، بدون تجویز شورای امنیت، جنگ را در کوزوو آغاز کرد. در هر دو مورد، شورای امنیت نتوانست سریعاً اقدام نموده و برای حمایت از مردم آسیب‌پذیر، استفاده از نیروی قهریه را اجازه دهد (وایس، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

۱. مفهوم مسئولیت حمایت

مسئولیت حمایت، هنجاری در حال شکل‌گیری و با جوهره اخلاقی در عرصه حقوق و روابط بین‌الملل است که هدفش مقابله با نقض حقوق اساسی انسان‌ها در قلمرو یک کشور و به عبارتی دیگر، جلوگیری از ناکام‌ماندن تلاش‌ها برای حمایت از حقوق انسانی در برابر نقض گسترده و سیستماتیک است. مهم‌ترین نکته در مورد مسئولیت حمایت این است که چنانچه دولتی به عللی چون اختلاف‌های نژادی، قومی و مذهبی در حفظ شهروندانش ناتوان و یا مایل

1. Freedom to live in dignity

به انجام آن نباشد، مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌گردد (داداندیش، ۱۳۹۱: ۱۷۱ و سواری و بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). به رغم اینکه موضوع حمایت از شهروندان در دهه ۱۹۹۰ در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت، اقدامات مربوط به حمایت از شهروندان در این دهه با موفقیت چشمگیری همراه نبود. با وجود این، سازمان ملل متحد حفاظت از غیرنظامیان را به طور گسترده‌ای تعریف کرده است که از آن می‌توان سه نکته کلیدی را برداشت نمود:

اول اینکه مقوله حمایت مبتنی بر تفکری انسانی است، دوم اینکه این حمایت از تفکر نظامی سنتی سرچشمه می‌گیرد و سوم اینکه از چنین حمایتی ارتباط موجود بین عملیات مدرن حفظ صلح سازمان ملل متحد و مداخله نظامی قابل درک است.

حفاظت از غیرنظامیان چارچوبی قانونی، انسانی و حقوق بشری را در طول درگیری‌های نظامی برای دیپلماسی سازمان ملل متحد به ارمغان آورده است. در نتیجه، از اولین سال‌های قرن بیست و یکم، دکتورین مسئولیت حمایت به عنوان هنجار حقوق بین‌الملل و راه حلی در پاسخ به کاستی‌های نظام بین‌المللی و در رویارویی با نقض فاحش حقوق بنیادین بشر وارد ادبیات حقوقی شد (داداندیش، ۱۳۹۱: ۱۷۱ & Seppä, 2011: 31).

۲. پیشینه مسئولیت حمایت

در سال ۲۰۰۰، کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل در ضمن گزارش خود به مجمع عمومی به طرح این سؤال پرداخت که چنانچه مداخلات بشردوستانه، تعرضی غیرقابل قبول به حاکمیت باشد، چگونه می‌بایستی به وضعیت رواندا و سربرنیتسا که نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر و وهن تمامی بشریت است، پاسخ دهیم؟ (Seppä, 2011: 21).

در پاسخ به این سؤال، «کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت کشور»^۱ گزارشی را در سال ۲۰۰۱ با عنوان «حاکمیت به مثابه مسئولیت»^۲ ارائه نمود و در ضمن آن بیان داشت که حاکمیت دولت متضمن مسئولیت است و مسئولیت اصلی حمایت از مردم به عهده خود دولت است.

1. International Commission on Intervention and State Sovereignty
2. sovereignty as responsibility

جایی که جمعیتی در معرض آسیب شدید ناشی از جنگ داخلی، شورش داخلی، سرکوب یا ناتوانی دولت قرار گیرد و دولت مورد نظر بی‌علاقه یا ناتوان از توقف یا دفع آن باشد، اصل عدم مداخله جای خود را به مسئولیت بین‌المللی حمایت می‌دهد (ICISS, 2001: xi-xiii).

گرچه دکترین مسئولیت حمایت، تحمیلی نیست، اما الزامی قانونی برای شورای امنیت برای مداخله نظامی به منظور محافظت از جمعیت‌ها در تمام شرایط مشابهی است که مشمول جرم و جنایات می‌گردد، چراکه هیچ دستگاهی مناسب‌تر و بهتر از شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود ندارد که اجازه مداخله نظامی را به منظور حمایت از انسان‌ها صادر کند. شورای امنیت باید فوراً به هر درخواست اجازه مداخله، در مواردی که ادعا می‌شود تلفات انسانی به میزان زیاد و یا پاکسازی قومی در جریان است، رسیدگی نماید (ICISS, 2001: 4.42).

شورای امنیت در بررسی‌های خود باید وضعیت‌هایی را که به سبب آن‌ها وجدان انسانی در عذاب است و انسان فریاد کمک سر می‌دهد در نظر داشته باشد و چنانچه در مسئولیت حمایت قصور ورزد، دولت‌های ذی‌ربط ممکن است از سایر راه‌ها و وسایل برای مواجهه با وخامت و فوریت آن وضعیت استفاده کنند و بدین ترتیب، احتمالاً شأن و اعتبار سازمان ملل متحد خدشه‌دار خواهد شد (ICISS, 2001: 6-7). در این رابطه، بند ۱۳۹ سند نهایی اجلاس سران بر این امر تأکید می‌ورزد که «بر مبنای مورد به مورد و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای مربوطه، هر جا مناسب باشد و در صورتی که روش‌های مسالمت‌آمیز ناکافی باشد و مسئولان ملی آشکارا در محافظت از مردم خود در برابر کشتار جمعی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت کوتاهی کنند، اقدام دسته‌جمعی به عمل آورده می‌شود».

۳. گزارش هیئت عالی‌رتبه در مورد چالش‌های تهدید و تغییر، ۲۰۰۴

هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد در گزارش ۲۰۰۴ خود تحت عنوان «تهدیدات و چالش‌ها»، نظریه مسئولیت حمایت را در قالب دو محور مورد اشاره قرار داد و نخست، ذیل عنوان «حاکمیت و مسئولیت» از ایده مسئولیت حمایت، به عنوان ابزاری برای تقویت نظام امنیت

دسته‌جمعی منشور، یاد نموده و اظهار داشت: «با امضای منشور ملل متحد، کشورها نه تنها از مزایای حاکمیت بهره می‌برند بلکه مسئولیت‌های ناشی از حاکمیت را نیز به گردن می‌گیرند (هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: بند ۲۹).

این هیئت در (بند ۲۰۳) این گزارش بیان می‌دارد: «ما پیدایش هنجار مسئولیت جمعی بین‌المللی در حمایت را که بر اساس آن، شورای امنیت مداخله نظامی را به عنوان آخرین گزینه در وقایع مربوط به نسل‌زدایی، کشتار گسترده، پاکسازی قومی و نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در چنین وضعیت‌هایی دولت‌های حاکم نمی‌توانند یا قادر نیستند از وقوع آن‌ها پیش‌گیری کنند، تجویز می‌کند را تأیید می‌نماییم.»

۴. سند نهایی اجلاس سران، ۲۰۰۵

بعد از تحولات مذکور، اجلاس جهانی سران در سال ۲۰۰۵، مسئولیت حمایت را تحت عنوان حقوق بشر و امنیت انسانی ارائه و در سند نهایی اصل مسئولیت حمایت طی دو بند مورد تأیید قرار گرفت. بند ۱۳۸ این سند بیان می‌دارد:

«هر دولتی برای حفاظت از جمعیت خود در برابر نسل‌زدایی، جنایت جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت تعهد دارد. این مسئولیت مستلزم پیش‌گیری از جرائم و از جمله تحریک، از طریق ابزارهای مناسب و ضروری است. این مسئولیتی است که ما آن را پذیرفته و مطابق آن عمل خواهیم نمود» (World Summit Outcome, 2005: Para 138-139).

بند مذکور به اولین رکن از مسئولیت حمایت اشاره داشته و بر این اساس کشورهای عضو، مسئولیت خود را به حفاظت از جمعیت‌های خود در برابر جنایات توده‌ای پذیرا می‌گردند. پذیرش مسئولیت فوق‌مبتنی بر تعهدات از قبل موجود در حقوق بین‌الملل است.

رکن دوم مسئولیت حمایت، اشاره به تعهد جامعه بین‌المللی در جهت مساعدت به کشورها و ایفای تعهدات مرتبط دارد. این کمک‌ها باید بر جنبه‌های انسان‌دوستانه و صلح‌آمیز استوار باشد.

رکن سوم، این رکن به پذیرش مسئولیت توسط دولت‌ها و پاسخ‌گویی به موقع و قاطع در مطابقت با اصول منشور ملل متحد و در جهت صیانت و حفاظت از جمعیت‌های خود در برابر جنایات گسترده اشاره دارد.

بلامی^۱ رکن چهارمی را به موارد فوق اضافه نموده و اظهار می‌دارد: در صورتی شورای امنیت می‌تواند از تمام روش‌های فهری استفاده نماید که اقدامات صلح‌آمیز کشورها ناکام مانده باشد (Bellamy, 2008: 623 & Seppä, 2011: 28). اقدامات صورت‌پذیرفته در اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ گامی مهم برای تبدیل دکترین مسئولیت حمایت به هنجار حقوقی پذیرفته‌شده تلقی گردید و بعد از آن نیز با مبنا قرارگرفتن این دکترین در قطعنامه‌های شورای امنیت، روند قوام‌یابی آن تسریع گردید (زمانی و نوری، ۱۳۹۱: ۳۰۱).

۵. گزارش سال ۲۰۰۹ دبیر کل

دبیر کل سازمان ملل متحد آقای بان کی مون در گزارش سال ۲۰۰۹ خود به مجمع عمومی ملل متحد، با تفکیک اقدامات اجرایی مسئولیت حمایت به سه رکن مجزا، پیشنهادهای خود را برای اجرایی کردن این مسئولیت ارائه داد. وی به این موضوع اذعان نمود که هر سه رکن پیش‌بینی‌شده در گزارش، دارای اهمیتی برابرند و هیچ ترتیبی خاصی برای استناد به آن‌ها مقرر نشده است (A/63/671, 2009: para 2). در این گزارش، دبیر کل با بیان قلمرو مسئولیت حمایت و با اشاره به نظریه «حاکمیت به مثابه مسئولیت»^۲، مسئولیت حمایت را نه تنها عاملی مخدوش‌کننده برای حاکمیت ندانسته؛ بلکه آن را تأکید مجددی بر اصل حاکمیت کشورها می‌داند. وی همچنین پیش‌گیری را اساسی‌ترین رکن مسئولیت حمایت قلمداد نموده و بر خلاف تصور برخی از کشورها، مسئولیت حمایت را تنها برگرفته از اصول فکری غرب نمی‌داند؛ بلکه آن را مجموعه اصولی می‌شمارد که با وجود آنکه خصوصیتی جهانی دارند، اما قابلیت اختلاط و یکی شدن با ارزش‌ها و معیارهای محلی را نیز دارا هستند (A/63/671, 2009: para 13&18).

۶. گزارش سال ۲۰۱۰ دبیر کل

گزارش ارائه‌شده توسط دبیر کل در سال ۲۰۱۰ میلادی مبین آن است که استفاده از زور در مفهوم امنیت انسانی پیش‌بینی نشده، بلکه تمرکز امنیت انسانی بر تقویت ظرفیت‌های دولتی و محلی، در قبال تهدیدات پیش رو و در حال ظهور است (A/64/701, 2010, para 23).

1. Bellamy
2. sovereignty as responsibility

از این منظر، جامعه بین‌الملل در تطابق با اصول منشور ملل متحد باید نقش مؤثر خود را در محدود نمودن موارد طرح مسئولیت حمایت نشان دهد (A/64/701, 2010, para 24). در مجموع و با عنایت به مطالب عنوان‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولیت حمایت هنوز به صورت قاعده حقوقی الزام‌آور در نیامده و بیشتر در قالب الزام اخلاقی مطرح است (سواری، و بلوچی، ۱۳۹۰).

ج. نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی

اولین راه حل برای حمایت از مردم تأمین امنیت انسانی است. این امر مستلزم تلاش‌های متمرکز و توسعه هنجارهای ملی و بین‌المللی در مقابله با تهدیدات فرامرزی است. امنیت انسانی خلأهای حمایت از انسان را شناسایی نموده و برای پیشبرد و تقویت آن‌ها راه حل‌های مناسبی را ارائه می‌دهد. رویکرد اصلی امنیت انسانی بر مبنای توسعه طراحی شده و از آنجا که بر اساس دیدگاه امنیت انسانی برخورد و تنش دولت‌ها با یکدیگر تهدیدی جدی به شمار می‌آید، تئوری مسئولیت حمایت نقش مهمی در خصوص حمایت از امنیت انسانی ایفا می‌کند (وکیل، ۱۳۹۰، الف: ۴۱۸؛ وکیل، ۱۳۹۰، ب: ۵۷). از این رو، مفهوم امنیت انسانی را می‌توان مبنای نظری دکترین مسئولیت حمایت دانست، چراکه این دو مفهوم در صدد حمایت از افراد و جوامع انسانی در برابر انواع گونه‌های مختلف تهدیدات است. این امر، یعنی نهفته شدن اساس نظریه مسئولیت حمایت در مقوله امنیت انسانی مبین همبستگی میان این دو مفهوم است (وکیل، ۱۳۹۰، الف: ۴۲۰).

۱. عملکرد مسئولیت حمایت

به نظر جی وایس، مسئولیت حمایت دارای سه مرحله زمانی است:

۱. مسئولیت جلوگیری: پرداختن به ریشه‌ها و علل مستقیم درگیری‌های داخلی و سایر بحران‌های ساخته بشر که مردم را در معرض خطر قرار می‌دهد.
۲. مسئولیت واکنش: واکنش به نیازهای ضروری انسانی از طریق اقدامات مناسب که ممکن است شامل اقدامات قهری مانند تحریم، پیگرد بین‌المللی و در مواردی، مداخله نظامی باشد.

۳. مسئولیت بازسازی: مساعدت کامل برای اعاده وضعیت به حالت عادی، و همچنین تلاش برای بازسازی و برقراری سازش، بعد از مداخله نظامی و از طرف دیگر، پرداختن به عللی که غرض از مداخله توقف یا دفع آن بوده است (وایس، ۱۳۸۷: ۱۴۲). این سه مسئولیت را می‌توان در قالب مسئولیت‌های عملی این دکترین دانست که به طور مستقیم به امنیت انسانی مربوط می‌شود، چراکه رویکرد امنیت انسانی، مردم و نیازهای آنان را در مرکز تجزیه و تحلیل عملیات خود قرار می‌دهد. در این راستا، گزارش ICISS تعریف امنیت انسانی را، در امنیت فیزیکی، رفاه اقتصادی و اجتماعی، احترام به شأن آن‌ها، حفاظت از حقوق بشر و احترام به حقوق اساسی آن‌ها می‌داند. از این منظر، امنیت انسانی تعهدات خاص و نه مسئولیت‌های خاص را تدوین می‌کند (ICISS, 2001: 2-21 & Seppä, 2011: 30 & Kerr, 2010: 118).

ویلز در این زمینه بیان می‌دارد که برخی از کشورهای عضو سازمان ملل نمی‌خواهند مداخله با هدف حفاظت از انسان‌ها را به عنوان بخشی از سازوکار ملل متحد و در قالب فصل هفتم منشور در نظر بگیرند. این دسته از کشورها، ادعای نقض حقوق بشر توسط یک دولت علیه مردم خود را، توجیهی کافی برای استفاده از زور توسط نیروهای بیگانه نمی‌دانند. از نظر ویلز این کشورها معتقدند این شورای امنیت است که باید تصمیم بگیرد آیا نقض حقوق بشر، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است یا خیر؟ و در نتیجه، مداخله بشردوستانه یا مداخله نظامی با اهداف انسان‌دوستانه را که در گزارش ICISS با عنوان مسئولیت برای حمایت طرح شده است را یک گزینه قانونی، اخلاقی و سیاسی می‌داند (Welsh, 2007: 337-339).

از جمله این کشورها ایالت متحده آمریکا است که مسئولیت حمایت را اصلی اخلاقی می‌داند و الزام حقوقی برای آن قائل نیست و معتقد است نه تنها ملل متحد بلکه کشورها نیز الزامی در انجام مداخله مطابق حقوق بین‌الملل ندارند. در اندیشه مسئولیت حمایت، عنصر همبستگی بین‌المللی جای گرفته و مسئولیت اولیه بر دوش دولت‌هاست و فقط اگر دولت مزبور نتواند یا نخواهد این مسئولیت را ایفا کند یا خود ناقض حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه باشد، مسئولیت دیگران مطرح می‌شود (وکیل، ۱۳۹۰ الف: ۴۱۷؛ سواری و بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

از طرفی، مفهوم امنیت انسانی به قدری پویا و متحول است که ارائه آن در قالب فهرست مشخصی امکان پذیر نیست. به همین دلیل است که جایگزینی نظریه مسئولیت حمایت با نظریه امنیت انسانی ضرورت پیدا کرده و بهتر است گفته شود که امنیت انسانی، عنوان اصلی دستور کار صلح، امنیت و توسعه را در بر می گیرد (وکیل، ۱۳۹۰ الف: ۴۱۸).

در رد این دیدگاه باید اظهار داشت که مسئولیت حمایت تمامی مواردی که امنیت انسانی تحت پوشش قرار می دهد را در بر نمی گیرد و همان طور که در گزارش سال ۲۰۱۰ (A/64/701) دبیر کل به مجمع عمومی آمده، هیچ کدام از این دو مقوله جایگزین دیگری نبوده، بلکه ضمن انفکاک از یکدیگر می توانند مکمل خوبی برای یکدیگر باشند.

۲. اعمال اصل مسئولیت حمایت در بلایای طبیعی

مفهوم امنیت انسانی، گسترده تر از مفهوم مسئولیت حمایت است، چراکه امنیت انسانی گرسنگی، بیماری، نابرابری، خشونت، بلایای طبیعی، فقر و آزادی از نیاز را پوشش می دهد؛ در حالی که مسئولیت حمایت فاقد حمایت از چنین خطراتی است. روشن است که ارتباط فکری و تجربی مابین مسئولیت حمایت و امنیت انسانی به ویژه در تعریف محدود ارائه شده از مسئولیت حمایت وجود دارد (Kerr, 2010: 115).

شاهد این مدعا را می توان در عدم اجرای مکانیسم مسئولیت حمایت در زمان وقوع بلایایی طبیعی مشاهده نمود. مصداق عینی این بحث به سال ۲۰۰۸ و به وقوع طوفان نارجیس^۱ در کشور میانمار برمی گردد. این طوفان به نحو گسترده ای میانمار را در نوردید و برآوردهای اولیه حاکی از آن بود که بیش از ۴۳ هزار نفر در این حادثه طبیعی جان خود را از دست داده اند، اما بسیاری از ناظران، مرگ و میر ناشی از این حادثه را بالای ۱۰۰ هزار نفر برآورد کرده بودند^۲ و حدود ۲,۵ میلیون نفر نیز در محاصره این طوفان گرفتار شده

1. Cyclone Nargis

2. On 14 May, the government of Myanmar/Burma put the death toll at 43,318. Myanmar Cyclone Death Toll soars Above 43,000., Los Angeles Times, 15 May 2008 and Aung Hla Tun. Foreign Powers Lean on Myanmar to Open up Aid., Reuters, 15 May 2008.

بودند. با وجود مقیاس گسترده فاجعه انسانی و ناتوانی آشکار دولت میانمار برای پاسخ مؤثر و به موقع، رژیم نظامی این کشور کمک‌های انسان‌دوستانه محدودی را اجازه داده و حتی در اوضاع و احوال موجود برگزاری رفراندوم قانون اساسی را که قرار بود در ۱۰ می انجام شود را به تأخیر نینداخت. در این شرایط و با اینکه سازمان‌های غیردولتی، آژانس‌های وابسته به ملل متحد و همچنین کشورهای مختلف در صدد ارائه کمک‌های بشردوستانه بودند، دولت میانمار در صدور ویزا برای امدادگران و کارکنان سازمان ملل متحد به کندی اقدام نموده و بر این امر اصرار داشت که کمک‌های انسان‌دوستانه توسط خود دولت توزیع شود.^۱

در این راستا و در ۷ می ۲۰۰۸، وزیر امور خارجه فرانسه برنارد کوشنر^۲، پیشنهاد داد که شورای امنیت ترتیب فراخوانی را مبنی بر مسئولیت حمایت و برای کمک به مردم میانمار، بدون اجازه دولت میانمار را بدهد. این پیشنهاد توسط سفیر فرانسه، تحلیل‌گران و سیاستمداران متعددی که عمدتاً از اروپا و آمریکای شمالی بودند، مکرراً تکرار شد. پیشنهاد کوشنر صراحتاً توسط دولت چین رد شد. وزیر توسعه بین‌المللی انگلستان و سفیر این کشور در سازمان ملل متحد نیز با دیدگاه چین در مورد اینکه مسئولیت حفاظت در خصوص حوادث ناشی از بلایای طبیعی صدق نمی‌کند موافقت نمودند.^۳

از طرف دیگر، مرکز مسئولیت حمایت برای آسیا و اقیانوس آرام^۴ در مشاوره‌ای به دبیر کل سازمان ملل بیان نمود که «ایجاد محدودیت در تحویل کمک‌های بشردوستانه به مردم میانمار را نمی‌توان در حیطه مسئولیت حمایت و در قلمرو جرائمی مانند نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، پاکسازی قومی و جنایات جنگی دانست».^۵

بر خلاف دیدگاه‌های ارائه‌شده، اگر کارکرد مسئولیت حمایت را صرفاً محدود به حمایت از انسان‌ها، در برابر بیماری، تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی بدانیم، این امر

1. Aung Hla Tun, Foreign Powers Lean on Myanmar to Open up Aid., Reuters, 15 May 2008
 2. Bernard Kouchner
 3. World Fears for Plight of Myanmar Cyclone Victims., New York Times, 13 May 2008.
 4. Asia-Pacific Centre for the Responsibility to Protect
 5. World Fears for Plight of Myanmar Cyclone Victims., New York Times, 13 May 2008.

مستلزم از دست دادن معنا و هدف واقعی این مفهوم می‌گردد، بنابراین مفهوم مسئولیت حمایت در بر دارنده تمام موقعیت‌هایی است که نیاز به حفاظت از بشر، در آن احساس می‌شود (Niemelä, 2008: 119).

از این رو، می‌توان اظهار داشت که مسئولیت حمایت تنها یکی از روش‌های حمایت از امنیت انسانی و راه‌کاری مؤثر در مواردی است که کشوری با نقض گسترده حقوق بشر مواجه شده است.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر مسئولیت حمایت در قلمرو اختیارات شورای امنیت قرار داشته و دیگر نهادهای بین‌المللی که در جهت تحقق این مقوله فعالیت می‌کنند با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. از این رو، شورای امنیت می‌تواند در هر موقعیتی که احساس کند امنیت انسانی مردم یک کشور توسط دولت‌شان در مخاطره قرار گرفته و راه حل دیگری برای حفاظت از امنیت انسانی و در تمامی وجوه آن وجود ندارد، مداخله نظامی را بر مبنای مسئولیت حمایت تجویز نماید. بدین ترتیب، می‌توان از مسئولیت حمایت به عنوان یکی از راه‌کارهای حفاظت از امنیت انسانی در موارد نقض گسترده حقوق بشر نام برد. در حال حاضر می‌توان دکترین مسئولیت حمایت را بهترین گزینه برای حفاظت از امنیت انسانی در مقابله با نسل‌زدایی و جنایات گسترده حقوق بشری دانست، اما سؤال اصلی این است که آیا مسئولیت حمایت در جهت پیش‌گیری از جنایات گسترده علیه بشریت گزینه‌ای کافی خواهد بود؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، پس چرا هنوز شاهد نقض گسترده حقوق بشر در بسیاری از نقاط جهان هستیم؟ پاسخ به سؤالات فوق مستلزم آن است تا به ویژگی‌های سه‌گانه مسئولیت حمایت توجه کافی مبذول گردد. این ویژگی‌ها که به نحو چشم‌گیری کارایی مسئولیت حمایت را با کاهش روبه‌رو ساخته، عبارت‌اند از: الف) اجرایی‌نشدن مسئولیت حمایت در سطح سازمان‌های بین‌المللی؛ ب) عدم تخصیص و تقسیم وظایف در اعمال و اجرای دکترین مسئولیت حمایت، بدین معنا که اساساً چه کسی

و به چه میزانی باید برای پیش‌گیری تلاش کند. ج) اعمال حق و تو در مواجهه با وضعیتی که در آن اقدام به مداخله نظامی ضروری است. به عبارت دیگر، چون شورای امنیت تنها مرجع مجاز برای تجویز مداخلات نظامی است، در صورت کاربرد و تو وظایف دیگر کشورها در این وضعیت چه خواهد بود؟

با عنایت به ویژگی‌های فوق و با توجه به این نکته که مسئولیت حمایت هنوز در سطح دکترین باقی مانده و به طور کامل مورد قبول کشورها قرار نگرفته، می‌توان بیان داشت تا زمانی که در خصوص اعمال مسئولیت حمایت از مجاری قانونی تصمیمی اتخاذ نشده، با تکیه بر مقوله حفاظت از امنیت انسانی از راه تحریم‌های اقتصادی، برنامه‌های سیاسی معقول، صلح‌سازی، جمعیت‌های مردمی را در قبال خطر وقوع چنین حوادثی حمایت و حیات انسانی آن‌ها را تضمین نمود.

منابع

- بعیدی‌نژاد، حمید، محمدحسن دریایی و مهدی علی‌آبادی (۱۳۸۴) تحول در ساختار نظام ملل متحد، تهران: وزارت امور خارجه.
- تاج‌بخش، شهربانو (۱۳۸۷) امنیت انسانی: نگاهی به گذشته پیش از نگاه به آینده، در مجیدی، محمدرضا و احمد خامسان، مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا: دیدگاه‌ها و نقدها، دانشگاه بیرجند.
- وایس، جی. توماس (۱۳۸۷) مداخله بشردوستانه اندیشه در عمل، ترجمه زهرا نوچه‌پرست، تهران: وزارت امور خارجه.
- داداندیش، پروین (۱۳۹۱) «تحولات لیبی و دکترین مسئولیت حمایت»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۲، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، چ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- زمانی، سیدقاسم و وحید نوری (۱۳۹۱) «بحران غزه در ترازوی مسئولیت حمایت»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۲۸۷-۳۱۹.
- سواری، حسن و مهدی بلوچی (۱۳۹۰) «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۲، صص ۱۷۵-۲۰۶.
- عمید، حسن (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
- فن تیگر شتروم، باربارا (۱۳۸۹) امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: مجد.
- وکیل، امیر ساعد (الف ۱۳۹۰) «وضعیت دارفور و غزه؛ میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۲، صص ۴۱۱-۴۵۳.
- هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد (۱۳۸۴) برای جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما، ترجمه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد- امیر ساعد وکیل، پوریا عسکری، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰) دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Amnéus, Diana (2012) "Responsibility to Protect: Emerging Rules on Humanitarian Intervention?", **Global Society**, 26:2.
- Aung Hla Tun (2008) Foreign Powers Lean on Myanmar to Open up Aid, Reuters, 15 May.
- Bellamy, Alex (2008) "The Responsibility to Protect and the Problem of Military Intervention", **International Affairs**, Vol. 84, No. 4.
- Burgess, J. Peter and Shahrbanou Tadjbakhsh (2010) "The Human Security Tale of Two Europe's", **Global Society**, 24:4
- Clark, Ian (2005) **Legitimacy in International Society**, Oxford: Oxford University Press.
- ICISS (2001) **The responsibility to Protect**, Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty, Available At: <http://www.iciss.ca/pdf/Commission-Report.pdf>
- Niemelä, Pekka (2008) **The Politics of Responsibility to Protect: Problems and Prospects**, The Erik Castrén Research Reports 25/2008.
- Kerr, Pauline (2010) **Human Security and diplomacy**, Dunn Caveltly, M.-V. Mauer, the Routledge Handbook of Security Studies, London: Routledge.
- Seppä, Tarja (2011) "Responsibility to Protect – Human Security in Darfur?", in Alm, oili & Tapio Juntunen (eds.) **Human Security – Perspectives and Practical Examples**, The Civil Society Conflict Prevention Network KATU.
- UNDP, HDR (1994) **New Dimensions of Human Security**, New York, Oxford University Press, Available at: <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr1994/pdf>
- UNDOC, A/63/671, 2009.
- UNDOC, A/64/701, 2010.
- UNDOC, A/66/763, 2012.
- Welsh, Jennifer M. (2007) "The Responsibility to Protect: Securing the Individual in International Society", in Goold, Benjamin and J. Liora Lazarus (eds.) **Security and Human Rights**, Portland: Hart Publishing.
- World Summit Outcome** (2005) General Assembly Resolution 60/1, UN Doc A/RES/60/1, hereinafter the Outcome Document.
- World Fears for Plight of Myanmar Cyclone Victims, New York Times, 13 May 2008.